

## مدیریت اسلامی بر اساس اعجاز مدیریتی سوره کهف

غلامرضا بهرامی فرد<sup>۱</sup>، یوسف فرجی<sup>۲</sup>

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآنی مراغه

۲- عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور و مدرس دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

چکیده

بی شک اسلام دین جامع و کامل و دربرگیرنده همه مقررات و لوازم نیکبختی بشر بوده و قرآن کریم به عنوان نقشه راه و طراح اصلی این دین گران قدر در جهت سعادت انسان بر پیامبر رحمت نازل شده است. از جمله مهم ترین عوامل تأثیرگذار در پیشرفت هر جامعه ای، رهبر و مدیر آن و کیفیت مدیریت جامعه از طرف وی می باشد. بهترین نوع مدیریت بر طبق معیارهای قرآنی و اسلامی، مدیریتی است که در آن با به کارگیری صحیح افراد و امکانات برای رسیدن به اهداف سازمان، هدف آن ارتقای رشد انسان ها در مسیر مستقیم و الهی خویش می باشد؛ بنابراین توجه و تأمل در آیات قرآن کریم نمایانگر نکات مهم و برجسته ای در زمینه مدیریت مبتنی بر تعالیم اسلامی است، نکاتی که می تواند راهگشای مشکلات بوده و راه سعادت و خوشبختی انسان ها را فراهم آورد. بدین ترتیب با توجه به اهمیت و جایگاه مدیریت در نظام اسلامی بر آن شدیم تا از منظر قرآن کریم با نگرش به آیات سوره کهف به صورت توصیفی- تحلیلی و با بهره گیری از تفاسیر و سایر کتاب های اسلامی به تشریح مدیریت قرآنی بپردازیم. از جمله مسائل مدیریتی به دست آمده طبق سوره کهف می توان به: قرآن کتاب مدیریت، منطقی سخن گفتن از خصایص مدیران، کیفیت عملکرد مدیر ملاک سنجش مدیریت، جدیت همراه با مدارا و مهربانی، دوری از وعده و وعید دادن، حفظ جهت در تصمیم گیری ها در مدیریت، پرهیز از فخر فروشی در مدیریت، توأمان بودن قدرت تنبیه و قدرت پاداش در مدیریت اسلامی، مدیریت زمان از اصول مدیریت مدیران موفق، اصل تفویض اختیارات در مدیریت، داشتن بینش توحیدی از صفات مدیران اسلامی و... می توان از این سوره استفاده کرد.

## مقدمه

قرآن کریم عالی‌ترین و جاودانه‌ترین معجزه پیامبر اکرم (ص) و گواه روشن بر صدق نبوت ایشان می‌باشد که خداوند آن را برای رشد، هدایت و رستگاری انسان، بر رسول اکرم (ص) فرو فرستاده است. تا عصر حاضر ابعاد مختلفی از اعجاز قرآن شناسایی شده است که از مهم‌ترین‌ها می‌توان به اعجاز بیانی، اعجاز تشریحی و اعجاز علمی اشاره کرد. یکی از ابعاد اعجاز علمی که تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته، اعجاز مدیریتی قرآن می‌باشد. اعجاز در لغت، از ریشه عجز یعنی ضعف و ناتوانی. عاجز یعنی ضعیف و ناتوان (ابن فارس، ۱۴۰۴ق) گرفته شده و اعجاز علمی یعنی رازگویی‌های علمی قرآن که در آیات به صورت واضح آمده است و در زمان نزول آیه کسی از آن اطلاع نداشته، بلکه مدت‌ها بعد از نزول آیه مطلب علمی توسط دانشمندان کشف شده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۴ ش). لذا منظور از اعجاز مدیریتی، وجود آیات و آموزه‌هایی در قرآن، که مطالب علمی را در قلمرو مسائل و موضوعات دانشی سازمان و مدیریت مطرح کرده‌اند که قبل از قرآن سابقه نداشته و با عقل و فنون آن زمان قابل دستیابی نبوده و بعد از مدت‌ها به این مطالب قرآنی پی برده شده است. از جمله اقدامات مهمی که توسط دشمنان اسلام جهت مهجوریت و عدم اقبال مردم به سوی قرآن مطرح می‌شود طرح این مسئله است که قرآن مختص مسائل اخروی از جمله احکام شرعی، حلال و حرام، بهشت و جهنم بوده و در مورد مسائل روز از جمله مدیریت سکوت کرده لذا عنصر جاویدان بودن و جامعیت قرآن را زیر سؤال می‌برند. در این نوشتار سعی شده است به این سؤال پاسخ دهیم که آیا در قرآن مطالبی در مورد اداره جامعه مطرح شده است یا نه؟

در کنار سایر مباحث مربوطه به وجوه اعجاز قرآن، برخی از قرآن‌پژوهان در خصوص اعجاز مدیریتی قرآن کتاب‌هایی مانند «۳۰۰ نکته در مدیریت اسلامی - محسن قرائتی»، «قرآن و مدیریت راستین - محمدجواد علیزاده» به رشته تحریر درآورده‌اند. این پژوهش در پی اثبات اعجاز و مسائل مدیریتی قرآن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین وجوه اعجاز علمی قرآن می‌باشد؛ که نتایج آن، اثبات وحیانی بودن قرآن و صدق رسالت و پیام‌آوری نبی اکرم (ص) از سوی خدا، گرایش بیشتر به قرآن و جلوگیری از پندار تعارض علم و دین می‌شود؛ و همچنین حل بسیاری از مشکلات مدیریتی جامعه ما در گرو توجه به این نوع اعجاز قرآن است.

## یافته های تحقیق

نکات و مطالب به دست آمده در مورد مدیریت اسلامی از سوره کهف - که می‌توان گفت تا کنون از منظر مدیریتی به آن توجه نشده است - را می‌توان در نکات ذیل اشاره نمود :

قرآن کتاب مدیریت، دفع تهدیدها اولویتی در مدیریت اسلامی، منطقی سخن گفتن از خصایص مدیران، دلسوز بودن نسبت به گمراهی زیردستان از اصول مدیریت اسلامی، کیفیت عملکرد مدیر ملاک سنجش مدیریت، هدایت زیردستان اصلی در مدیریت اسلامی، امداد غیبی در مدیریت، آگاهی سازی زیردستان از برنامه‌های خود اصلی در مدیریت، تأمین آرامش زیرمجموعه خود در مدیریت اسلامی، مدیریت اسلامی، جدیت همراه با مدارا و مهربانی، دوری از وعده‌ووعید دادن در مدیریت، حفظ جهت در تصمیم‌گیری‌ها در مدیریت، تشویق کارمندان موفق، اصلی مهم در مدیریت، پرهیز از فخرفروشی در مدیریت، توأمان بودن قدرت تنبیه و قدرت پاداش در مدیریت، تربیت نیروهای جوان برای مدیریت، جستجوی مدیران لایق برای امور، صبر و تحمل زیرمجموعه نسبت به کارهای مدیر، مدیریت زمان از اصول مدیریت مدیران موفق، دفع افسد به فاسد در مدیریت، اصل تفویض اختیارات در مدیریت، امکانات و استفاده صحیح از عوامل موفقیت مدیریت، عدم شتاب در تنبیه اصلی دیگر در مدیریت اسلامی، نیازسنجی از اصول دیگر مدیریت، پرهیز از مبالغه و غلو در مدیریت، داشتن بینش توحیدی از صفات مدیران اسلامی، مدیریت صحیح مهم‌ترین عامل پیشرفت هر پروژه، جذب همیاری توده‌ها در انجام پروژه‌های عظیم و مردمی، از اصول مدیریت.

جالب است همه این نکات مهم در مدیریت فقط از بررسی یک سوره قرآن به دست آمده، با کنکاش و بررسی کل قرآن از لحاظ مسایل مدیریتی می توان گنجینه مهمی از مسایل مدیریت اسلامی به دست آورد.

#### ۱- مفهوم شناسی

##### ۱-۱- «اعجاز» در لغت به چند معنی آمده است:

الف) از دست رفتن چیزی، مثلاً گفته می شود «عجزه الامر الفلانی» یعنی فلان چیز از دست وی دررفت.  
ب) احساس عجز و ناتوانی در دیگری، مثلاً می گویند «عجزت زیدا» او را عاجز و ناتوان یافتم.  
ج) ایجاد عجز و درماندگی در طرف مقابل و در این صورت اعجاز به معنای «تعجیز» می باشد، مانند «عجزت زیدا» یعنی او را عاجز و ناتوان نمودم. (نجمی و هریسی، بی تا).

##### ۱-۲- معنای واژه اعجاز در قرآن:

در قرآن اعجاز به معنای پایان و ریشه شیء است (راغب اصفهانی، بی تا). چنان که خداوند در قرآن می فرماید: *إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ (۱۹) تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ مُّنْفَعٍ (۲۰)* ترجمه: «ما تندباد وحشتناک و سردی را در یک روز شوم که استمرار داشته است، بر آنها فرستادیم که مردم را همچون تنه های نخل ریشه کن شده، از جا می کند» (قمر/۱۹-۲۰)؛ اما در اصطلاح دانشمندان علم «کلام» اعجاز عبارت از این است که: آن کس که مقامی را از ناحیه خداوند ادعا می کند به عنوان گواه بر صدق گفتارش، عملی انجام دهد که با آن عمل قوانین طبیعت را بشکند، به نحوی که دیگران از انجام دادن آن عمل عاجز و ناتوان باشند، چنین عمل خارق العاده را «معجزه» و انجام دادن آن را «اعجاز» می نامند. (نجمی و هریسی، بی تا)؛ و در اصطلاح شرع امری است که از عادات معهود فراتر است و مقارن با هموارد جویی است که دیگران از معارضه با آن ناتوان اند (کمالی، بی تا).

واژه اعجاز و معجزه در معنای اصطلاحی آن در قرآن به کار نرفته است و به جای آن واژه های دیگری که به معنای معجزه می باشد در آیات قرآن به کار رفته است؛ از جمله واژه ها «آیه، سلطان، برهان و مبصره» که در آیات قرآن به آنها اشاره شده است.

##### ۱-۳- اعجاز علمی قرآن:

رازگویی های علمی قرآن که در آیات به صورت واضح آمده است و در زمان نزول آیه کسی از آن اطلاع نداشته، بلکه مدت ها بعد از نزول آیه مطلب علمی توسط دانشمندان کشف شده است مثل اشاره علمی قرآن به نیروی جاذبه، حرکت های خورشیدی، لقاح ابرها و زوجیت عام موجودات و مراحل خلقت انسان که قرن ها بعد از نزول قرآن بشر به این مطالب علمی دست یافت. از این رو برخی مفسران قرآن این مطالب را اعجاز های علمی قرآن دانسته اند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۴).

##### ۱-۴- اعجاز مدیریتی قرآن:

بر اساس تعریفی که از اعجاز علمی قرآن کردیم می توان گفت که منظور از اعجاز مدیریتی قرآن، وجود آیات و آموزه هایی در قرآن است که مطالب و مسائل علمی را در گستره مسائل و موضوعات مربوط به سازمان و مدیریت مطرح کرده اند؛ اعم از مطالب علمی که تاکنون از سوی دانش کشف و تبیین شده است. بدیهی است که وجود چنین مطالب علمی در قرآن، نوعی رازگویی علمی در این عرصه از دانش بشری شمرده می شود و کشف و تبیین آنها از سوی دانشمندان، وحیانی بودن قرآن و صدق رسالت و پیام آوری نبی اکرم (ص) از سوی خدا را اثبات می کند.

از یک جنبه دیگر نیز ما می توانیم اعجاز مدیریتی قرآن را تعریف کنیم و آن توجه به عملکرد قرآن در حوزه تربیت مدیران موفق در جامعه جاهلی عصر نزول می باشد که نمونه بارز آن شخصیت والای رسول اکرم (ص) می باشد که به عنوان یک مدیر لایق جامعه اسلامی را در جهت پیشرفت هدایت می فرمودند. پس عملکرد قرآن در حوزه تربیت مدیران موفق جامعه اسلامی را اعجاز مدیریتی قرآن می گوئیم.

#### ۱-۵- تعریف مدیریت:

برای داشتن یک تعریف جامع از مدیریت باید این موضوع از سه جنبه مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۵-۱- مدیریت در لغت: مدیریت مصدر جعلی، به معنای اداره کردن، چرخاندن، به جریان انداختن و رساندن است؛ اما با توجه به واژه انگلیسی آن - Administer - به معنای خدمت کردن است، یعنی خدمتی که شخصی برای شخص دیگر ارائه می‌کند. در حدیث است که «سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ»، «رئیس گروه خدمت گذار آن‌هاست» (باقر الموسوی، ۱۳۸۶).

۱-۵-۲- مدیریت در اصطلاح: برای مدیریت به‌عنوان یک دانش، تعاریف متعددی صورت گرفته و گفته شده است که تقریباً به تعداد مؤلفان و نویسندگان کتب مدیریتی، تعریف مدیریت وجود دارد؛ لکن وجه مشترک همه تعاریف این است که مدیریت «هنر یا علم اداره یک مجموعه، جهت نیل به هدف‌های سازمانی است» (اشنایدر و بارسور، ۱۳۸۲).

۱-۵-۳- مدیریت اسلامی: مدیریت علمی برای دنیایی مفید است که پیشرفت، کار و تولید بیشتر و مسائلی از این قبیل - با نگاه سکولاریسمی - برای آن‌ها از هر چیز مهم‌تر باشد و انسان‌ها را - در اشکال مختلف مدیریت - فقط بدین منظور در اختیار بگیرند و رهبری کنند، ولی مدیریت در اسلام را این‌گونه باید تعریف کرد: «هنر و علم اداره یک مجموعه با به‌کارگیری صحیح افراد و امکانات برای رسیدن به اهداف سازمانی؛ به‌نحوی که با موازین شرع مغایرت نداشته باشد». در مدیریت اسلامی رعایت قوانین شرع مقدس از مهم‌ترین مسائل است و باید با حساسیت بسیار دنبال شود. اسلام برای اداره جامعه برنامه دارد؛ منتهی نه برنامه کاپیتالیستی و سرمایه‌داری غربی و نه برنامه کمونیستی و کارگری شرقی؛ برنامه‌ای که هدف آن ارتقای رشد انسان‌ها در مسیر مستقیم و الهی خویش است (نبوی، ۱۳۸۲).

۱-۵-۴- سوره کهف: از سوره‌های مکی بوده و به نام و داستان اصحاب کهف اشاره می‌کند. کلمه کهف ۶ بار در قرآن به‌کاررفته و همه آن‌ها در همین سوره است. از نظر حجم از سوره‌های مثنون و متوسط است و در حدود نیم جزء قرآن را دربردارد. این سوره دقیقاً در نیمه قرآن قرار دارد. وجه تسمیه این سوره اشاره به نام و داستان اصحاب کهف است. کلمه کهف ۶ بار در قرآن به‌کاررفته و همه آن‌ها در همین سوره است. این سوره سه داستان مهم و جدید را بیان می‌کند که برخلاف اکثر داستان‌های دیگر قرآن که در سوره‌های مختلف و به‌طور بخش‌بخش و مکرر آمده است، یکجا آمده و تنها اختصاص به این سوره دارد (۱). داستان اصحاب کهف، ۲. داستان حضرت موسی و خضر، ۳. داستان ذوالقرنین و یاجوج و ماجوج). علاوه بر این داستان‌ها، داستان دو باغ و اشاره به داستان آدم و ابلیس از قسمت‌های عمده این سوره است. از مفاهیم و مضامین دیگر این سوره، تشریح و تبیین مبدأ و معاد و مسائل خداشناسی، نزول قرآن جهت اصلاح جامعه، ترسیم حقیقت دنیا، فناپذیری و بی‌اعتباری آن و مصاحبت با نیکان و پاکان و محرومان و مستضعفان باایمان است. (خرمشاهی، ۱۳۷۷).

#### ۲- وجوه اعجاز قرآن

اعجاز قرآن از جهات مختلفی می‌تواند باشد که به‌طور خلاصه به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد.

#### ۱-۲- هماهنگی و عدم اختلاف

خداوند در قرآن به این وجه از اعجاز اشاره کرده و می‌فرماید: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» «آیا به تدبیر در قرآن نمی‌اندیشند، اگر آن از سوی غیر خدا می‌بود ناهماهنگی بسیاری در آن یافتند» (نساء/۸۲). درباره اعجاز قرآن از جهت هماهنگی بر سه موضوع تأکید شده است:

الف - آیات قرآن از هماهنگی کامل در همه ابعادش برخوردار است.

ب - ملازمه و ارتباط وثیقی بین از سوی بشر بودن قرآن و راه یافتن اختلاف و ناهماهنگی فراوان در آن وجود دارد.

ج - این ملازمه و آن‌همه‌نگی با تدبیر آیات شریفه برای انسان‌ها قابل کشف و دریافتن است (مصباح یزدی، ۱۳۷۵).

#### ۲-۲- فصاحت و بلاغت (اعجاز بیانی)

به طور خلاصه می توان گفت: اعجاز بیانی قرآن در موارد زیر نهفته است از جمله:

۱- گزینش واژه‌ها؛ که ویژگی کلی واژه‌های قرآن را در استواری و درستی واژه‌ها، آشنایی واژه‌ها، خوش‌آهنگ بودن واژه‌ها، ادب در گزینش واژه‌ها، نکته‌رسانی در گزینش واژه‌ها، هماهنگی آهنگ واژه‌ها با معانی، عمیق بودن واژه‌ها و ..... می توان دانست (عرفان، ۱۳۷۹)

۲- برخورداری تعابیر قرآن (اعم از حروف و کلمات آن) از جایگاهی خاص و سنجیده

۳- نفی مترادفات در قرآن؛ به این معنا که هر لفظی در قرآن به جای خود به کاررفته و قابل جایگزین شدن نیست.

۴- روانی الفاظ و عبارات آن

۵- در قرآن «استعارات»، «تشبیهات»، «کنایات» و ..... در جای خاص خود به کاررفته است (مؤدب، ۱۳۸۶)

علامه طباطبایی نیز اعجاز بیانی را در تسلط بر زبان، واژه‌ها و شناخت آن‌ها، قدرت بیان و قدرت فکر و لطافت ذوق بیان می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۷۲).

۲-۳- امی بودن آورنده

سومین وجه از وجوه اعجاز که قرآن به آن تأکید و تحدی نموده راجع به شخصیت پیامبر (صلی‌الله) و درس نخواند و به مکتب نرفته بودن ایشان است. در قرآن آمده است: «وَمَا كُنْتُمْ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكُمْ إِذْ لَأُرْتَابَ الْمُبْطِلُونَ» «و تو پیش از فرود آمدن قرآن، نوشته‌ای را نمی‌خواندی و نه به دستانت آن را می‌نوشتی در آن صورت یاوه‌گویان دو دل می‌شدند» (عنکبوت/۴۸).

۲-۴- اعجاز اخبار از غیب

یکی دیگر از وجوه اعجاز قرآن، تحدی آن به اخبار غیبی است. به‌عنوان مثال فرموده است: «تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَ لَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ» «این از خبرهای غیب است که آن را به تو وحی می‌کنیم، پیش‌ازاین نه تو آن را می‌دانستی و نه قوم تو» (هود/۴۹). اخبار غیبی قرآن به‌گونه‌ای است که هم خبر از گذشته و سرگذشت انبیای پیشین و امت‌های آن می‌دهد و هم خبر از آینده می‌دهد (مؤدب، ۱۳۸۶).

۲-۵- اسرار خلقت در قرآن (اعجاز علمی)

یکی از ابعاد اعجاز قرآن که در چند قرن اخیر ظاهر شد و بسیاری از متخصصان علوم را به شگفتی واداشت و برخی صاحب‌نظران علوم قرآن بدان تصریح کرده‌اند، همان گزاره‌های قرآن در مورد مسائل علمی مثل زوجیت گیاهان و حرکت خورشید و زمین است. درحالی‌که انسان‌ها تا قرن‌ها بعد از نزول قرآن به این مطالب علمی دسترسی نداشتند یا به نظر بطلمیوسی که برخلاف آن‌هاست معتقد بودند (رضایی، ۱۳۸۰). آیاتی که مربوط به زوجیت گیاهان است عبارت‌اند از: «وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» «و از هرگونه میوه‌ای در آن جفت‌جفت قرارداد. روز را به شب پوشاند. قطعاً در این برای مردمی که تفکر می‌کنند نشانه‌هایی وجود دارد (رعد/۳).

۲-۶- اعجاز معارف و معانی قرآن

اعجاز قرآن فقط در الفاظ، فصاحت و بلاغت نمی‌تواند باشد؛ بلکه این کتاب گران‌قدر شامل مفاهیم و معانی عمیق و دقیقی است که رسالتش هدایت انسان به سوی کمال است. قرآن در هر حوزه‌ای و هر موضوعی به‌طور معقول و متقن، سخن به میان آورده مانند: توحید، نبوت، معاد، امامت حقوق و نظام قانون‌گذاری، معاملات، عبادات، حدود و قصاص و ....

۳- فواید پذیرش اعجاز علمی قرآن

پذیرش اعجاز علمی قرآن مستلزم این است که آیات بر اساس علم روز تفسیر شود. این تفسیر آثار و برکاتی دارد که به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

**الف) گرایش بیشتر به قرآن:** پیشرفت‌های بشر در علوم تجربی نمی‌تواند او را از هدایت قرآن بی‌نیاز کند. هرچه انسان در شناخت طبیعت بیشتر پیش می‌رود، با پرسش‌های دقیق‌تر و ظریف‌تری روبه‌رو می‌شود که کشف پاسخ آن‌ها را بدون الهام از آسمان وحی و معارف قرآن کریم ممکن نمی‌داند (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف) از این رو قرآن به برخی مطالب علمی اشاره تلویحی می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ج) که انسان با کشف آن‌ها به علم لایزال الهی و معجزه بودن قرآن پی می‌برد و به روشنی درمی‌یابد که جز مبدأ حکیم، کسی توانایی آفرینش چنین نظامی را ندارد. بهترین شاهد بر این سخن، گرایش روزافزون مردم کشورهای متمدن جهان به اسلام و قرآن کریم است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف) بنابراین تفسیر علمی باعث تقویت ایمان مردم و روشن شدن وجه دیگری از اعجاز قرآن شده است (جعفری، بی‌تا).

**ب) جلوگیری از پندار تعارض علم و دین:** اربابان کلیسا در قرون وسطی بر اساس مسیحیت تحریف‌شده، هر فکر نو و پیشرفت علمی را ضد دین می‌دانستند؛ از این رو، اندیشه تعارض دین و علم مطرح شد؛ در نتیجه، دین منزوی و به مسائل خصوصی و فردی منحصر شد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰)؛ اما قرآن، معجزه مانای نبوی (ص) حاوی مطالب علمی است که با روشن شدنشان، افراد بانصاف متوجه می‌شوند و اسلام، نه تنها با علوم سازگار نیست، بلکه علم مؤید دین است.

#### ۴- آسیب‌شناسی اعجاز علمی

آنچه در اعجاز علمی نادرست است، این است که یافته‌های علوم تجربی را پیش از آن که یافته علمی شوند، به قرآن تحمیل و آیات آن را طوری معنا کنیم که بر اساس فرضیات باشد. در حالی که فرضیات علمی و تجربی همواره تغییر می‌کنند و چه بسیار که پس از مدتی فرضیه‌ای جدید، فرضیه پیشین را باطل می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف)؛ در حالی که قرآن از هر بطلانی ایمن است: «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» (فصلت / ۴۲).

#### ۵- فایده بحث اعجاز مدیریتی قرآن

انسان، به‌عنوان خلیفه الهی، در مسیر هدایت و رسیدن به کمال، نیازمند راهنمایی و روشننگری خدای سبحان است، اما توان پاسخ‌گویی عقل برای تأمین نیازهای هدایتی او کفایت نمی‌کند؛ زیرا در مجموعه آموزه‌های وحیانی، حقایقی نهفته است که انسان بدون کمک وحی، توان رسیدن به آن‌ها را ندارد. «وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا» (نساء / ۱۱۳). مرجعیت قرآن کریم برای پاسخ به همه نیازهای هدایتی بشر، مسلم و مورد اتفاق مفسران عامه و خاصه است. خداوند سبحان قرآن کریم را روشنگر هر چیزی معرفی می‌کند که می‌تواند در مسیر هدایت و رسیدن انسان به کمال و سعادت قرار بگیرد. «وَوَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ» (نحل / ۸۹). هدایت، رهبری، مدیریت و مجموعه مسائل پیرامون آن‌ها، بخش عمده‌ای از نیازهای هدایتی انسان در زندگی فردی و اجتماعی‌اند که اهمیت و گستره آن، در هر دوره از زندگی نسبت به دوره‌های قبل آشکارتر شده است؛ زیرا برای شکوفایی ظرفیت‌های فطری و ظهور جلوه‌های خدا گونگی انسان، راهی جز حضور آگاهانه، آزادانه و متعهدانه تک‌تک افراد بشر در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی وجود ندارد و تشکیل زندگی اجتماعی، تنها با ایجاد شبکه روابط انسانی در قالب نهادها و سازمان‌ها ممکن است؛ چنان‌که تاریخ حیات اجتماعی بشر و سیر دگرگونی و تحول جامعه‌ها، سندی روشن و دلیلی آشکار بر این مدعا است. اساسی‌ترین عنصری که انسان را از غیر انسان جدا می‌کند، «باید بشود» است که ناب‌ترین ویژگی آدمی است. اگر عمر همه جهان هستی میلیاردها میلیارد برابر عمر واقعی‌اش باشد، هیچ روزی فرا نخواهد رسید که یک جزء از این جهان (غیر انسان) یا کلّ مجموع هستی، آگاهانه و از روی احساس آزادی، جریانی به‌عنوان «باید بشوم» داشته باشد (جعفری، ۱۳۷۶). آموزه‌های وحیانی و تعلیم و تزکیه انسان در سایه تعالیم آسمانی، مطمئن‌ترین مسیر تبیین و ترسیم بایسته‌های حیات فردی و اجتماعی انسان است.

#### ۶- اصول مدیریت در عصر جدید

در خصوص اصول مدیریت نظرات و تئوری‌های زیادی از سوی کارشناسان حوزه مدیریت ارائه شده است از جمله نظریه پردازان بزرگ در حوزه مدیریت، هنری فایول تئوریسین مدیریت فرانسوی می‌باشد. تئوری‌های او در مدیریت نیروی کار در اوایل قرن بیستم بسیار مؤثر و تأثیرگذار بودند. فایول یکی از تأثیرگذارترین مدافعان نظریه مدیریت جدید است. اصول چهارده گانه مدیریت که هنری فایول مطرح کرد، از مهم‌ترین مفاهیم مدیریتی به شمار می‌آیند و جزو نخستین مسائلی هستند که یک مدیر به دانستن آن‌ها نیاز دارد. این اصول چهارده گانه مدیریت هنری فایول عبارت‌اند از:

۱- تقسیم کار: اصل تخصصی کردن نیروی کار به منظور تمرکز بر فعالیت جهت کار آیی بیشتر. تقسیم کار یا تخصص گرایی امکان تولید بالاتری را به دست می‌دهد زیرا هر فرد زمانی می‌تواند فعالانه کار کند که در آن زمینه از مهارت نسبتاً بالایی برخوردار باشد.

۲- اختیار و مسئولیت: اختیار حق صدور دستور و قدرت برای درخواست اطاعت از فرمان. به عبارت دیگر اختیار همان حق دستور دادن است. یک عضو سازمان در موقعیت و شغلی که قرار دارد، مسئول انجام اهداف سازمان است. برای تشویق و تنبیه افراد به خاطر خوب یا بد انجام دادن وظایف محوله، وجود مصوبات و مقررات خاصی از سوی مدیر الزامی است.

۳- انضباط: داشتن نظم و انضباط برای اداره صحیح یک موسسه بازرگانی امری ضروری است لذا در هر سازمان باید احترام و فرمان برداری نسبت به قوانین و اهداف سازمان وجود داشته باشد. در این راستا به عوامل ذیل نیاز است:

- سرپرستی در تمام سطوح و رده‌ها خوب باشد.
- تا حد امکان مقررات و آیین‌نامه‌ها روشن و منصفانه باشد.
- جریمه‌ها و پاداش‌ها مشخص و منصفانه باشد.

۴- وحدت فرماندهی: این اصل بیانگر آن است که برای کاهش تداخل و تناقض هر عضو سازمان باید دستورات را فقط از یک رده بالاتر دریافت کند و همچنین فقط مسئول پاسخگویی به او باشد. به عبارت ساده یک کارمند، تنها باید از یک سرپرست دستور بگیرد.

۵- وحدت هدف و جهت: یک سرپرست، یک برنامه، به این معنی که یک رهبر با یک هدف، یک گروه از فعالیت‌ها را رهبری نماید.

۶- تبعیت منافع فردی از منافع جمعی: منافع یک کارمند یا یک گروه از کارکنان نباید مقدم بر مصالح و منافع سازمان باشد. از این گذشته منافع کلی باید همواره به عنوان افضل و برتر باقی بماند.

۷- دستمزد کارکنان: پرداخت‌ها باید مناسب و غیر استثماری باشد، زیرا دستمزد خوب، عملکرد خوب را به دنبال خود دارد. انواع و اشکال گوناگون دریافتی‌ها همچون حقوق ثابت، حق مقام، اضافه کاری، پاداش، سهم سود و همچنین پاداش‌های غیرمادی را باید با توجه به شرایط و وظایف کارکنان در نظر داشت.

۸- تمرکز: تمرکز در حقیقت به هماهنگی و هدایت از سوی یک سیستم مرکزی اطلاق می‌شود که برای سازمان ضروری است و پیامد طبیعی سازمان‌دهی می‌باشد. اما با توجه به شرایط و ویژگی‌های موجود در هر سازمان بایستی توازن و تعادل مناسبی بین تمرکز و عدم تمرکز ایجاد کرد.

۹- سلسله‌مراتب: سلسله‌مراتب، سلسله سرپرستان است که از بالاترین سطح اختیار به پایین‌ترین سطح به صورت زنجیره‌ای رده‌بندی شده است. یک زنجیره سلسله‌مراتب کاملاً مشخص، به وسیله اصل وحدت فرماندهی، همه اعضاء سازمان را از بالا به پایین به یکدیگر وصل می‌کند. این زنجیره در سازمان‌های بزرگ که فضای وسیع‌تری را در برمی‌گیرند طولانی‌تر بوده و ارتباط افراد هم‌تراز مستلزم طی مسیر و زمان طولانی است.

۱۰- نظم: سازمان باید برای هر فرد مکان مشخصی فراهم کند به نحوی که یک جایگاه برای هر فرد وجود داشته باشد و هر فرد هم در جایگاه خودش باشد. هدف نظم آن است که هر چیزی سر جای خودش قرار بگیرد.

۱۱- عدالت: احساس عدالت و برابری بایستی در سراسر سازمان گسترده باشد. لذا در هر سازمان می باید انصاف و عدالت مبتنی بر توافق های از پیش تعیین شده و مشخص موجود باشد.

۱۲- ثبات و ماندگاری در شغل: کاهش جابجایی کارکنان سبب افزایش کار آیی می گردد، زیرا کارکنان برای تطبیق باکارشان، نیاز به زمان دارند.

۱۳- ابتکار: در همه سطوح نردبان سازمانی، شور و اشتیاق و انرژی به وسیله ابتکار افزایش یابد لذا افراد در هر سطحی باید برای ابراز و به کار گرفتن ایده های خود آزاد باشند. مدیری که به کارکنان زیردست خود اجازه می دهد ابتکارهای خود را به کار ببندند بسیار بالاتر از مدیری است که چنین اجازه ای به زیردستان خود نمی دهد.

۱۴- روحیه اتحاد و جمعی: اتحاد یک پدیده پر قدرت است. این اصل نیاز به کار تیمی و حفظ روابط متقابل شخصی را مورد تأکید قرار می دهد و فعالیت بیشتر و کار آیی بالاتر را از طریق ایجاد احساس افتخار در کارکنان، وفاداری آنان به سازمان و احساس تعلق متقابل و اعطای شخصیت فراهم می سازد (رضاییان، ۱۳۸۹).

#### ۷- برخی از موضوعات مدیریتی در سوره کهف:

در این سوره با بررسی تک تک آیاتی که در آنها نکات مدیریتی اشاره شده مسائل مدیریتی را استخراج می نماییم.

۷-۱- نکات مدیریتی آیه: «فِيْمَا لِيَنْذِرَ بَأْسًا شَدِيْدًا مِّنْ لَّدُنْهٖ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِيْنَ...» [کتابی] راست و درست تا [گناهکاران را] از جانب خود به عذابی سخت بیم دهد و مؤمنانی را نوید بخشد...» (کهف/۲).

#### ۷-۱-۱- قرآن کتاب مدیریت

«قیم» به معنای «مقیم» یعنی «برپادارنده و سامان بخش» نیز آمده است (قرآنی، ۱۳۸۸) «قیم القوم» به معنای «مدیر و مدبر امور قوم» است لذا قرآن و تعالیم آن، قوام بخش و رهبری کننده جامعه بشری است.

#### ۷-۱-۲- دفع تهدیدها اولویتی در مدیریت اسلامی

دفع ضرر، مهم تر از جلب منفعت است. یا مدیران باید در اولویت بندی، بین دفع ضررهای احتمالی و منافع ناشی از انجام تصمیم و اقدامی در سازمان است، ابتدا به دفع ضرر پردازند. (پیشی گرفتن هشدار عذاب بر بشارت، تبیین کننده این معناست.) (قرآنی، ۱۳۸۶). لذا مدیر مردم دار تلاش می کند مردم در امنیت خاطر زندگی کنند و هر چه را موجب وحشت و ترس مردم می شود از ایشان دور می کند. امام علی (ع) در این زمینه در نامه ۱۸ نهج البلاغه به فرماندار بصره فرموده اند: «با مردم به نیکی رفتار کن، و گره وحشت را از دل هایشان بگشای.» (سید رضی، ۱۳۷۹).

۷-۲- نکات مدیریتی آیه: «مَا لَهُمْ بِهٖ مِنْ عِلْمٍ وَّلَا لِبَابِهِمْ كَبْرَتْ كَلِمَةٌ تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ إِنْ يَقُولُوْنَ إِلَّا كَذِبًا» «نه آنان و نه پدرانشان به این [ادعا] دانشی ندارند بزرگ سخنی است که از دهانشان برمی آید [انان] جز دروغ نمی گویند» (کهف/۵)

#### ۷-۲-۱- منطقی سخن گفتن از خصایص مدیران

مدیر موفق در یک سازمان فردی است که سخنان و مطالب خود را با پشتوانه علمی بیان می کند و این عامل باعث پذیرش بیشتر از جانب زیردستانش می گردد. چراکه در این آیه «قرآن به ما می آموزد که در همه حال از ادعاهای بی دلیل جدا به پرهیزیم از هر کس و مربوط به هر کس باشد. این اصلی است که اگر مسلمانان در همه زندگی خود از آن پیروی کنند یعنی بی دلیل چیزی نگویند، بی دلیل چیزی نپذیرند، و اعتنایی به شایعات و ادعاهای عاری از دلیل نکنند بسیاری از نابسامانی هایشان سامان می یابد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱).

۷-۳- نکات مدیریتی آیه: «فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسِكَ عَلٰی اٰثَرِهِمْ اِنْ لَّمْ يُؤْمِنُوْا بِهٰذَا الْحَدِيْثِ اَسْفًا» «شاید اگر به این سخن ایمان نیاورند تو جان خود را از اندوه در پیگیری [کار] شان تباہ کنی» (کهف/۶).

#### ۷-۳-۱- دلسوز بودن نسبت به گمراهی زیردستان از اصول مدیریت اسلامی



تعبیر «فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ» نهایت دلسوزی پیامبر [به عنوان مدیر و رهبر جامعه اسلامی] را می‌رساند. گویا پیامبر به شخصی تشبیه شده که می‌بیند عزیزترین افرادش از او جدا می‌شوند و او با حسرت از پشت سرشان به آنان نگاه می‌کند. دلسوزی و تأسف بر گمراهی دیگران یک ارزش است و پیامبر دلسوزترین افراد است. رهبر باید در فکر اصلاح عقاید و اعمال مردم و پیگیری آن باشد. (قرائتی، ۱۳۸۸).

۴-۷- نکات مدیریتی آیه: «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» «در حقیقت ما آنچه را که بر زمین است زیوری برای آن قرار دادیم تا آنان را بیازماییم که کدامیک از ایشان نیکوکارترند» (کهف/۷).

#### ۱-۴-۷- کیفیت عملکرد مدیر ملاک سنجش مدیریت

طبق بیان قرآن که «أَحْسَنُ عَمَلًا» ملاک سنجش یک مدیر بایستی کیفیت عملکرد وی باشد نه مقدار و کمیت آن. «أَحْسَنُ عَمَلًا»، نگفته «اکثر عملًا» (قرائتی، ۱۳۸۸). در روایات مراد از «أَحْسَنُ عَمَلًا» کار عاقلانه و همراه باتقواست که ذخیره قیامت نیز شده باش (قرائتی، ۱۳۸۸). متأسفانه امروزه می‌بینیم که در انتخاب مدیران برای بخش‌های مختلف ملاک مسائلی چون هم‌فکر و هم‌عقیده بودن با روسا و میزان بله قربان بودن افراد مطرح می‌باشد.

#### ۲-۴-۷- هدایت زبردستان اصلی در مدیریت اسلامی

بیان فریبندگی زمین و بستر امتحان بودن آن پس از بیان رسالت پیامبر (ص) در محدوده انذار و تبشیر، می‌تواند گویای این مطلب باشد که وظیفه رهبران دینی، هدایت است و انتخاب، با خود مردم است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶).

۵-۷- نکات مدیریتی آیه: «إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا» «آنگاه که

جوانان به سوی غار پناه جستند و گفتند پروردگار ما از جانب خود به ما رحمتی بخش و کار ما را برای ما به سامان رسان» (کهف/۱۰).

#### ۱-۵-۷- امداد غیبی در مدیریت

یکی از ویژگی‌های ممتاز مدیریت اسلامی برخوردار از امداد غیبی در مشکلات و تنگناها می‌باشد. چراکه طبق آیه «اصحاب کهف، خواهان امداد الهی برای نجات از تنگناها و مشکلات حرکت و قیامشان علیه شرک و پرستش غیر او بودند. لذا سُنَّا گزیدن در غار، می‌رساند که حرکت و قیام اصحاب کهف، مشکلات و تنگناهایی را برای آنان در پی داشته است، از این رو می‌توان گفت که مراد از هدایت خواهی آنان، راهنمایی شدن در اتخاذ تصمیم‌های بعدی و پیدا کردن راه نجات از مشکلات و تنگناهایی است که در انتظار ایشان بود. (هاشمی رفسنجانی). در چند مورد از آیات سوره کهف این حقیقت به خوبی منعکس است که اگر انسان گام‌های نخستین را در راه "الله" بردارد، و برای او به پا خیزد، کمک و امداد الهی به سراغ او می‌شتابد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱).

۶-۷- نکات مدیریتی آیه: «هُؤُلَاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ آلِهَةً لَّوَلَّا يَأْتُونَ عَلَيْهِم بِسُلْطَانٍ بَيْنَ يَدَيْهِمْ فَمَن أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ

كِدَابًا» «این قوم ما جز او معبودانی اختیار کرده‌اند چرا بر [حقانیت] آن‌ها برهانی آشکار نمی‌آورند پس کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ بندد (کهف/۱۵).

#### ۱-۶-۷- آگاهی سازی زبردستان از برنامه‌های خود اصلی در مدیریت

یک از ویژگی‌های مدیران موفق در بحث مدیریت آگاه‌سازی زبردستان و کارمندان خود از علل اقدامات می‌باشد که مهم‌ترین تأثیر این اقدام، هم‌دلی و مشارکت بیشتر کارمندان در انجام هر چه بهتر امور می‌باشد و چه بسا با آگاهی مجموعه از علل انجام امور با ارائه نکته نظرات خود به شخص مدیر در انجام هر چه با کیفیت کار، مدیریت را یاری کرده و باعث بالا رفتن بازده و رانده‌مان کار شوند. البته طبق آیه دلیل کارها باید به صورت واضح و مشخص بیان گردد تا همه زیرمجموعه در واحدی از آن داشته باشند (بِسُلْطَانٍ بَيْنَ).

۷-۷- نکات مدیریتی آیه: «وَإِذِ اعْتَرَضْتُمْهُمْ وَمَا يَعْبدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْوُوا إِلَى الْكَهْفِ..» «و چون از آن‌ها و از آنچه جز خدا می‌پرستند کناره گرفتید پس به غار پناه جویید» (کهف/۱۶).

### ۷-۷-۱- تأمین آرامش زیرمجموعه خود در مدیریت اسلامی

پناه بردن اصحاب کفر از محیط ناامن و شرک‌آلود به غار نشان می‌دهد یکی از نیازهای انسان، نیاز به امنیت و آرامش می‌باشد که خود این امر در مدیریت نکته مهمی در پیش برد اهداف سازمان می‌باشد. آرامش در تمام امور زندگی برای همه مهم و مفید است. سازمان‌ها نیز به‌عنوان نهادهای اجتماعی مؤثر در جامعه، از این قاعده مستثنا نیستند. به‌بیان‌دیگر، زندگی سازمانی که بخش عمده‌ای از زندگی انسان‌های امروزی را تشکیل می‌دهد، به دلیل ماهیت اجتماعی آن، نیازمند آرامش بیشتری است. مدیران سازمان در فعالیت‌ها و فرآیندهای روزمره سازمان، می‌توانند از آرامش استفاده‌های زیادی ببرند. خیلی از مدیران افسوس قضاوت‌های عجولانه و رفتارهای کنترل نشده خود را می‌خورند. آرامش در انجام کارها و در برخورد با منابع انسانی، کمک بزرگی به مدیران و مجموعه سازمان خواهد کرد.

۷-۸- نکات مدیریتی آیه: «... فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَاماً فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ...» «...تا ببیند کدام یک غذای پاکیزه‌تری دارد، پس غذایی از آن برایتان بیاورد و باید (در این کار) زیرکی و دقت به خرج دهد»

### ۷-۸-۱- مدیریت اسلامی، جدیت همراه با مدارا و مهربانی

عبارت «وَلْيَتَلَطَّفْ» وسط قرآن کریم قرار دارد که به معنای مدارا و هوشیاری همراه با مهربانی است و این خود لطفی است که کلمه وسط قرآن را لطف و تَلَطَّف و مهربانی تشکیل داده است (قرائتی، ۱۳۸۸). لذا کسی که مسئولیت می‌پذیرد باید مراقبت‌های لازم را داشته باشد (قرائتی، ۱۳۸۸). سیاست، حکومت و مدیریت فارغ از رفق و مدارا، راه به‌جایی نمی‌برد و گرفتار آسیب‌های جدی و اساسی می‌گردد. هیچ‌چیز همچون رفق و مدارا روابط اجتماعی را در جهت مطلوب تسهیل نمی‌کند. انسان فطرتش متمایل به رفق و مدارا، و منزجر از درشتی و خشونت است. از این‌رو، هر کاری بر این مبنای فطری انجام شود، پذیرش آن بهتر و راه تحقق آن‌هموارتر است، و اساساً با به کار گرفتن رفق و مدارا بهتر می‌توان بر مشکلات اجتماعی فائق آمد و به مقاصد اصلاحی دست‌یافت. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵). در سیره اجتماعی رسول خدا (ص) رفق و مدارا نقشی مبنایی داشت و مایه قوام و دوام روابط و مناسبات صحیح اجتماعی بود. ایشان همان‌گونه که مأمور برپایی واجبات بودند، مأمور به رفتاری از سر مدارا بودند و می‌فرمودند: «خدای متعال همان‌گونه که مرا به برپایی واجبات فرمان داده، به مدارا با مردمان امر فرموده است.» (مجلسی، بی‌تا). در حقیقت، خوی نرم پیامبر بود که دل‌ها را جذب می‌کرد و بین آن‌ها الفت می‌بخشید، و اگر این روحیه نبود قطعاً پیوند میان دل‌ها و وحدت در جامعه و آن حرکت اصلاحی بزرگ میسر نمی‌گردید.

۷-۹- نکات مدیریتی آیه: «وَلَا تَقُولَنَّ لَشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكُ غَدًا» «و زنهار در مورد چیزی مگوی که من آن را فردا انجام خواهم داد» (کهف/۲۳).

### ۷-۹-۱- دوری از وعده‌و وعید دادن در مدیریت

در مدیریت به این نکته باید توجه کرد که فراهم آوردن امکانات و مقدمات انجام برنامه‌ها، تضمین‌کننده قطعیت اقدامات نیست، چون عوامل و متغیرهای دیگری وجود دارند که به‌راحتی می‌توانند شرایط را به‌گونه‌ای دیگر رقم بزنند (قرائتی، ۱۳۸۶).

۷-۱۰- نکات مدیریتی آیه: «وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تَطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا» «و با کسانی که پروردگارش را صبح و شام می‌خوانند [و] خشنودی او را می‌خواهند شکیبایی پیشه کن و دو دیدگاه را از آنان برمیگیر که زیور زندگی دنیا را بخواهی و از آن کس که قلبش را از یاد خود غافل ساخته‌ایم و از هوس خود پیروی کرده و [اساساً] کارش بر زیاده‌روی است اطاعت مکن» (کهف/۲۸).

### ۷-۱۰-۱- حفظ جهت در تصمیم‌گیری‌ها در مدیریت

از مسائلی که در تصمیم‌گیری‌های یک مدیریت و نیز مدیریت‌های گوناگون دارای یک و هدف مشخص باید رعایت شود، وحدت جهت در تصمیم‌گیری‌هاست. تصمیم‌های پراکنده متقابل و متنافی یکدیگر سبب می‌شود که بهترین برنامه‌ها و اهداف، در عمل به شکست بیانجامد. هدف‌های پراکنده و معبودهای مختلف، سرچشمه تفرقه و پراکندگی و ناتوانی است. همین حقیقت در وجه

اجتماعی، در قالب حمایت از محرومان و مستضعفان و همت گماردن بر دفاع از ایشان در همه برنامه‌ها می‌باشد. خدای متعال رسول گرامی خود را در این آیه در این خصوص مورد خطاب قرارداد و جهت تصمیم‌گیری‌های وی را مشخص فرموده است (عباس نژاد، ۱۳۸۶). چراکه در شأن نزول آیه مفسران چنین نوشته‌اند: جمعی از ثروتمندان مستکبر و اشراف از خودراضی عرب به حضور پیامبر ص رسیدند، و درحالی که اشاره به مردان باایمانی همچون سلمان، ابوذر، صهیب، و خباب و مانند آن‌ها می‌کردند گفتند: ای محمد اگر تو در صدر مجلس بنشین، و این‌گونه افراد که بوی آن‌ها مشام انسان را آزار می‌دهد، و لباس‌های خشن و پشمینه در تن دارند، از خود دور سازی (و خلاصه مجلس تو مجلسی درخور اشراف و شخصیت‌ها! بشود) ما نزد تو خواهیم آمد، در مجلست خواهیم نشست و از سخنان بهره می‌گیریم ولی چه کنیم که باوجود این گروه جای ما نیست! در این هنگام آیات فوق نازل شد و به پیامبر ص دستور داد که هرگز تسلیم این سخنان فریبنده توخالی نشود و همواره در دوران زندگی با افراد باایمان و پاک‌دلی چون سلمان‌ها و ابوذرها باشد هرچند دستشان از ثروت دنیا تهی و لباسشان پشمینه است. (مکارم شیراز، ۱۳۷۱). درواقع آنان خواستار تغییر جهت‌گیری پیامبر (ص) بودند پس آیه فوق نازل شد و جهت‌گیری حق را مشخص ساخت.

۷-۱۱- نکات مدیریتی آیه: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا» «کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند [بدانند که] ما پاداش کسی را که نیکوکاری کرده است تباہ نمی‌کنیم» (کهف/۳۰).

#### ۷-۱۱-۱- تشویق کارمندان موفق، اصلی مهم در مدیریت

تشویق نیروی فعال در سازمان علاوه بر اینکه باعث دلگرم شدن آن‌ها برای تلاش جهت انجام هر چه بهتر کارهایشان می‌شود، باعث تحریک سایر نیروها برای تلاش بیشتر نیز می‌گردد. انسانی که مورد تشویق قرار بگیرد احساس آرامش و رضایت خاطر و اعتمادبه‌نفس می‌کند و برای جدیت بیشتر و تحمل دشواری‌ها آماده می‌شود. برعکس، اگر مورد نکوهش یا ناسپاسی قرار گرفت، دلسرد و بی‌رغبت می‌شود و احساس حقارت و ضعف می‌کند و نمی‌تواند از استعدادهای خویش به نحو مطلوبی استفاده کند. در عهدنامه امام علی (ع) به مالک اشتر به این موضوع اشاره شده است: «هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشند، زیرا نیکوکاران در نیکوکاری بی‌رغبت، و بدکاران در بدکاری تشویق می‌گردند، پس هرکدام از آنان را بر اساس کردارشان پاداش ده» (سید رضی، ۱۳۷۹).

۷-۱۲- نکات مدیریتی آیه: «وَكَانَ لَهُ ثَمْرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مَنك مَالًا وَأَعَزُّ» «و برای او میوه فراوان بود پس به رفیقش درحالی که با او گفت‌وگو می‌کرد گفت مال من از تو بیشتر است و از حیث افراد از تو نیرومندترم» (کهف/۳۴).

#### ۷-۱۲-۱- پرهیز از فخرفروشی در مدیریت

فرد مدیر بایستی همواره در مدیریت خویش به این امر توجه نماید که این مسئولیت برای همیشه ماندگار نیست لذا بایستی همواره از فرصت پیش‌آمده برای خدمت بیشتر بهره‌برد. اصولاً دل‌بستگی و غرور به مال و قبیله و موقعیت، زمینه طغیان است (قزائنی، ۱۳۸۸). مسند مدیریت به دلیل اینکه مرکز توزیع امکانات و محل جمع‌آوری منابع و اعمال دستورات است، بیشترین انگیزه‌های مدیران دنیاطلب را بیدار کرده است و جلوه‌نمایی می‌کند. کمتر مردمان و از جمله مدیران را می‌توان یافت که از دام این نوعروس هزار داماد خلاصی پیدا کنند. برای دست یازیدن به مرتبه ریاست سازمان، بسیاری هستند که خصائل انسانی و معنوی خود را زیر پا گذاشته، تحقیر، ذلت و فریبکاری را به جان می‌خرند تا پله‌ای ترقی و مسندی را تصاحب نمایند. این‌گونه رفتارها به کرات در ارکان و اجزای مدیریتی مشاهده می‌شود و چند صباحی مدیر منصوب در این عرصه قدرت‌نمایی و از امکانات برخوردار می‌گردد تا نوبت به دیگری برسد، غافل از آنکه تصاحب اینجایگاه به فردی تعلق داشته که شایستگی‌هایش او را از پا پیش نهادن بی‌نیاز می‌نماید و شایسته است که در پی این بزرگان باشیم تا آنان را از گوشه‌نشینی بیرون آورده، با اختیاراتی فزون‌تر، درراه ساختن زیربنای مستحکم و دور از فساد سازمانی یاری نماییم. باید به این امر نیز التفات داشت که چه‌بسا افرادی

پاک دست و کارساز به کار گمارده شوند، ولی در دوران مدیریت خود چنان شیفته این جایگاه گردند که نتایج بس زیان بارتری از خود به جای گذارند.

«تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (آری)، این سرای آخر تو را (تنها) برای کسانی قرار می‌دهیم که اراده برتری جویی در زمین و فساد را ندارند و عاقبت نیک برای پرهیزگاران است» (القصص / ۸۳). «معنای اینکه فرمود: «نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا»: قرارش می‌دهیم برای کسانی که نمی‌خواهند در زمین گردن‌فرازی کنند، و فساد انگیزند» این است که ما بهشت را اختصاص به چنین کسانی می‌دهیم و منظور از گردن‌فرازی این است که بر بندگان خدا استعلا و استکبار ورزند، و منظور از فساد انگیزی این است که خواستار گناهان و نافرمانی خدا باشند، چون خدای تعالی شرایع خود را که انسان‌ها را به آن‌ها مکلف فرموده، بر اساس آنچه فطرت و خلقت آنان اقتضاء دارد، بنا نهاده، و فطرت انسان تقاضا ندارد مگر آن کار و آن روشی را که موافق با نظام اتم و احسن در حیات زمینی انسان‌هاست. پس هر معصیتی بی‌واسطه و یا باواسطه در فساد این زندگی اثر دارد، از اینجا روشن می‌شود که علوخواهی یکی از مصادیق فساد خواهی است» (طباطبائی، ۱۳۷۴).

۷-۱۳- نکات مدیریتی آیه: «وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مَبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَيَجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا أَنْزَرُوا هُزُومًا» «و پیامبران [خود] را جز بشارت‌دهنده و بیم‌رسان گسیل نمی‌داریم و کسانی که کافر شده‌اند به باطل مجادله می‌کنند تا به وسیله آن حق را پایمال گردانند و نشانه‌های من و آنچه را [بدان] بیم داده‌شده‌اند به ریشخند گرفتند» (کهف/۵۶).

#### ۷-۱۳-۱- توأمان بودن قدرت تنبیه و قدرت پاداش در مدیریت

در این آیه خداوند دو صفت توأمان برای کلیه پیامبران ذکر می‌کند صفات بشیر به معنای مژده دهنده و نذیر به معنای بیم دهنده است. برداشت مدیریتی از این مطلب این است که پیامبران برای رسیدن به اهداف موردنظر خود و نفوذ در میان افراد و جوامع از ابزارهایی استفاده می‌کنند که دوتای آن‌ها قدرت پاداش (بشیر) و قدرت تنبیه (نذیر) است (عباس نژاد، ۱۳۸۶). مدیران و مسئولان باید کوچک‌ترین عمل زبردستان چه خوب باشد و چه بد را نادیده نگرفته و مطابق با همان عمل افراد را پاداش و یا جزا دهند. این عمل چه در گفتار و چه در کردار باید به اجرا دربیاید. در غیر این صورت قدرت رهبری مدیریت وی تضعیف خواهد شد. در این موردی حضرت علی (ع) خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشند، زیرا نیکوکاران در نیکوکاری بی‌رغبت، و بدکاران در بدکاری تشویق می‌گردند، پس هرکدام از آنان را بر اساس کردارشان پاداش ده» (سید رضی، ۱۳۷۹). آنچه در اینجا قابل توجه است بایستی کیفر کردن افراد مطابق مقررات اسلام باشد نه بر طبق برداشت‌های و سلیقه‌های فرد و یا اغراض شخصی باشد. اجرای سیستم تشویق و تنبیه در مدیریت باعث می‌شود که افراد سازمان از بی‌تفاوتی خارج شده و بین خادم و خائن تفاوت گذاشته شود.

۷-۱۴- نکات مدیریتی آیه: «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِفَتَاهُ لَا أَبْرَحَ حَتَّىٰ أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا» «و [یاد کن] هنگامی را که موسی به جوان [همراه] خود گفت دست‌بردار نیستم تا به محل برخورد دو دریا برسم هرچند سال‌ها [ی سال] سیر کنم» (کهف/۶۰).

#### ۷-۱۴-۱- تربیت نیروهای جوان برای مدیریت

در زمینه تربیت و آماده نمودن مدیران برای آینده بهترین روش همراه نمودن افراد مستعد در کنار مدیران موفق می‌باشد تا عملاً با روش‌های مدیریت در عرصه عمل آشنا شوند. چراکه آموخته‌های تئوری تنها در صورتی مفید می‌باشد که فرد علاوه بر آموختن آن‌ها با خلق و خوی مدیریت نیز در عرصه مدیریت آشنا گردد. جالب است که امروز این روش تربیت مدیران به‌عنوان روش جانشین پروری مطرح می‌باشد که در این طرح مدیران جوان در کنار مدیران باتجربه و پیشکسوت مشغول به کار می‌شوند و به‌تدریج تجربه و دانش مدیران قدیمی به مدیران جوان‌تر منتقل گردد.

#### ۷-۱۴-۲- جستجوی مدیران لایق برای امور

در مدیریت اسلامی در انتخاب مدیران لایق برای سازمان و یا امور دیگر باید به جستجوی مدیر لایق پرداخت چنانکه اگر برای این امر زمان زیادی سپری شود با توجه به واژه «حَقْبًا» که به معنای «سال‌های طولانی است، ۷۰ الی ۸۰ سال» (قرائتی، ۱۳۸۸). این امر نشان‌دهنده اهمیت انتخاب مدیر می‌باشد چراکه نحوه صحیح مدیریت در پیشرفت یا عدم آن سازمان نقش اساسی دارد پس ارزش آن را دارد که زمان و زحمت فراوانی برای امر اختصاص داده شود. متأسفانه امروز بیشتر انتخاب مدیر بر اساس سلاقی صورت می‌گیرد که نتایج این انتخاب به‌خوبی نشان‌دهنده این امر اشتباه می‌باشد.

۷-۱۵- نکات مدیریتی آیه: «قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا» (کهف/۶۷) «وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا» (کهف/۶۸) «گفت تو هرگز نمی‌توانی همپای من صبر کنی» (کهف/۶۷) «و چگونه می‌توانی بر چیزی که به شناخت آن احاطه نداری صبر کنی» (کهف/۶۸).

#### ۷-۱۵-۱- صبر و تحمل زیرمجموعه نسبت به کارهای مدیر

در این دو آیه حضرت خضر (ع) به‌وسیله علم الهی که داراست بر عدم صبر حضرت موسی (ع) اشاره می‌کند و شتاب‌زدگی وی را پیش‌بینی می‌کند. این آیات بیانگر این مطلب‌اند که مردم و افراد یک گروه و یا جامعه در جهت رسیدن به هدف خود باید نسبت به کارهای رهبر و مدیر و تصمیمات وی صبور باشند.

۷-۱۶- نکات مدیریتی آیات «۷۱-۷۷ سوره کهف (داستان حضرت موسی و خضر (ع))»

#### ۷-۱۶-۱- مدیریت زمان از اصول مدیریت مدیران موفق

در سه جای این داستان شاهد مدیریت زمان توسط حضرت خضر (ع) هستیم. ابتدا آن هنگام که دو پیامبر سوار بر کشتی می‌شوند حضرت خضر شروع به سوراخ کردن قسمتی از کشتی می‌کند اما کسی از علت کار وی اطلاعی ندارد. آن حضرت به‌واسطه علم الهی می‌دانست که مأموران حاکم کشتی‌های سالم را به نفع وی مصادره می‌کنند و چون این کشتی تنها وسیله امرارمعاش صاحبان آن است آن را معیوب می‌سازد تا بدین‌وسیله آن را حفظ کند. این عمل حضرت به‌موقع بود زیرا اگر این کار را نمی‌کرد و کشتی به خشکی می‌رسید مأموران حاکم آن را غصب می‌کردند. (آیات ۷۱ و ۷۲ سوره کهف). در دومین حادثه و کشته شدن آن پسر بچه توسط حضرت خضر (ع) این بار هم آن حضرت با کمک علم الهی به انجام کاری که خداوند وی را مأمور انجام آن قرارداد می‌پردازد. آن حضرت از وضعیت پدر و مادر آن بچه اطلاع داشت و می‌دانست که آن‌ها باایمان هستند و وجود این بچه ممکن است در ایمان آن دو تأثیر منفی داشته باشد، بنابراین به دستور خداوند بلندمرتبه وی را کشت و در عوض آن خداوند فرزندی صالح به آن دو عطا نمود. چه‌بسا اقدامی دیرتر از موعد باعث می‌شد تا آن‌ها به‌واسطه فرزند خود ایمانشان را از دست بدهند. (آیات ۷۴ و ۷۵ سوره کهف). در پایان داستان و پس از رسیدن به آن روستا و عدم پذیرایی دو پیامبر توسط مردم، حضرت خضر به بازسازی دیواری در روستا می‌پردازد که با تعجب و اعتراض حضرت موسی (ع) مواجه می‌شود. در این مورد نیز مانند موارد قبل آن حضرت به‌واسطه علم الهی و خدادادی خود و به‌فرمان الهی کاری را انجام داد که به‌موقع بوده و عدم انجام آن و یا انجام آن در وقت دیگر موجب از بین رفتن حقی می‌شد. (آیه ۷۷ سوره کهف).

۷-۱۷- نکات مدیریتی آیه: «أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدْتُ أَنْ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا» «اما کشتی از آن بینوایانی بود که در دریا کار می‌کردند خواستم آن را معیوب کنم [چراکه] پیشاپیش آنان پادشاهی بود که هر کشتی [درستی] را به‌زور می‌گرفت» (کهف/۷۹).

#### ۷-۱۷-۱- دفع افسد به فاسد در مدیریت

یکی از نکاتی که مدیران در طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های و تصمیمات خود باید لحاظ کنند دفع افسد به فاسد و ترجیح اهم بر مهم است. (داستن کشتی معیوب بهتر از نداشتن آن است) (قرائتی، ۱۳۸۶).

۷-۱۸- نکات مدیریتی آیات: «۸۱، ۸۲، ۷۹ سوره کهف»

### ۷-۱۸-۱- اصل تفویض اختیارات در مدیریت

با توجه به واژه‌های «فَارَدَتْ» «خواستم» (کهف/۷۹) و «فَارَدْنَا» «خواستیم» (کهف/۸۱) و «فَارَادَ» «خواست» (کهف/۸۲) می‌توانیم نتیجه بگیریم در مدیریت بایستی مدیر در برخی از امور به کارکنان آزادی عمل بدهد تا افراد بر اساس نحوه تشخیص و اطلاعات خود کارها انجام دهند. این کار مدیران را قادر می‌سازد تا وظایف اصلی خودشان را که عبارت‌اند از پرداختن به آینده سازمان و پرورش مدیران آینده انجام دهند و خودشان را گرفتار نظارت روزمره نکنند.

۷-۱۹- نکات مدیریتی آیه: «إِنَّا مَكْنَأ لُهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا» «ما در زمین به او امکاناتی دادیم و از هر چیزی وسیله‌ای بدو بخشیدیم» (کهف/۸۴) «فَاتَّبَعَ سَبَبًا» «او هم از این وسایل استفاده کرد» (کهف/۸۵).

### ۷-۱۹-۱- امکانات و استفاده صحیح از عوامل موفقیت مدیریت

اصولاً در دست داشتن اسباب و راه‌کارهای علمی و عملی، زمینه‌ساز قدرت و اقتدار «ذو القرنین» در زمین بود (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۱۰). اما مهم‌تر از داشتن امکانات و قدرت، خوب استفاده کردن است (قرائتی، ۱۳۸۸). پس می‌توان نتیجه گرفت که عامل امکانات و عامل مدیریت صحیح استفاده از امکانات اگر در کنار هم باشند باعث موفقیت یک سازمان یا مجموعه می‌گردد. پس اگر ما امروز می‌بینیم که برخی از سازمان‌ها با وجود داشتن امکانات دارای وضعیت مناسبی نمی‌باشند پس قطع یقین می‌توان گفت که عامل اصلی آن ضعف مدیریت آن مجموعه می‌باشد.

۷-۲۰- نکات مدیریتی آیه: «قَالَ أَمَا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نَعْدَبُهُ ثُمَّ يَرُدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُّكْرًا» «گفت اما هر که ستم ورزد عذابش خواهیم کرد سپس به‌سوی پروردگارش باز گردانیده می‌شود آنگاه او را عذابی سخت خواهد کرد» (کهف/۸۷).

### ۷-۲۰-۱- عدم شتاب در تنبیه اصلی دیگر در مدیریت اسلامی

ذوالقرنین به امید توبه ستمگران بود و لذا در کیفر آنان شتابی نکرد. «مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نَعْدَبُهُ» (قرائتی، ۱۳۸۸).. از شیوه‌های مدیریت صحیح عدم تعجیل در تنبیه کارکنان متخلف می‌باشد بایستی قبل از تنبیه به نحوی را متوجه خطایش کرد و به وی فرصت جبران اشتباهاتش را داد تا در صورت تکرار مجدد خطا تنبیه صورت بگیرد.

۷-۲۱- نکات مدیریتی آیه: «قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّا يَا جُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا» «گفتند ای ذوالقرنین یا جوج و مأجوج سخت در زمین فساد می‌کنند آیا [ممکن است] مالی در اختیار تو قرار دهیم تا میان ما و آنان سدی قرار دهی» (کهف/۹۴).

### ۷-۲۱-۱- نیازسنجی از اصول دیگر مدیریت

مردم درجایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که نسبت به آن احساس نیاز کنند، مخصوصاً اگر نیازهای اساسی باشد. لذا سازمان‌ها باید به دنبال کارهایی باشند که در پی برآوردن نیازهای مردم باشد و از این طریق سرمایه‌های آن‌ها را برای انجام برنامه‌ها به‌کارگیرند (قرائتی، ۱۳۸۶). لذا برای مدیریت موفق، اصل اساسی دیگر توجه به مسائل و مشکلات زیردستان می‌باشد.

۷-۲۲- نکات مدیریتی آیه: «قَالَ مَا مَكْنَىٰ فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا» «گفت آنچه پروردگرم به من در آن تمکن داده [از کمک مالی شما] بهتر است مرا با نیرویی [انسانی] یاری کنید [تا] میان شما و آن‌ها سدی استوار قرار دهم» (کهف/۹۶).

### ۷-۲۲-۱- جذب همپاری توده‌ها در انجام پروژه‌های عظیم و مردمی، از اصول مدیریت

از آنجاکه خداوند، راه صحیح هر کار و اسباب آن را به ذی‌القرنین نمایانده بود، او، خواهان همکاری مردم در انجام طرح می‌شود و این نشان از آن دارد که «ساختن» بدون ایجاد «فرهنگ سازندگی» کارساز نیست و از طریق مشارکت و حس همپاری است که

می‌توان به این اهداف نائل گردید (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۱۰، ص ۳۹۲). زیرا نشاط کاری بیشتر می‌شود، ارزش زحمات را می‌دانند و کم کاری نمی‌کنند (قرائتی، ۱۳۸۸).

#### ۷-۲۲-۲- مدیریت صحیح مهم‌ترین عامل پیشرفت هر پروژه

رهبران لایق، به کمک علم، هنر، سوز و تعاون، از ساده‌ترین افراد و ابزار، بهترین کارها را تولید می‌کنند، بنابراین اگر مدیر لایق باشد، کارگران ساده مهم‌ترین پروژه‌ها را انجام دهند (قرائتی، ۱۳۸۸). نکته‌ای که باز در جامعه ما مورد غفلت واقع شده است و به جای اینکه در مورد عقب‌ماندگی پروژه‌ها زمین و زمان را مقصر بدانند بایستی به امر مدیریت به‌عنوان یک عامل کلیدی باید توجه کنند.

۷-۲۳- نکات مدیریتی آیه: «قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِّن رَّبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَاةً وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا» «گفت این رحمتی از جانب پروردگار من است و [الی] چون وعده پروردگارم فرارسد آن [سد] را درهم کوبد و وعده پروردگارم حق است» (کهف/۹۸).

#### ۷-۲۳-۱- داشتن بینش توحیدی از صفات مدیران اسلامی

ذو القرنین باینکه کار بسیار مهمی انجام داده بود، و طبق روش مستکبران می‌بایست به آن مباحثات کند و بر خود ببالد، و یا منتهی بر سر آن گروه بگذارد، اما چون مرد خدا بود، با نهایت ادب چنین اظهار داشت که این از رحمت پروردگار من است " (قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِّن رَّبِّي). اگر علم و آگاهی دارم و به وسیله آن می‌توانم چنین گام مهمی بردارم از ناحیه خدا است، و اگر قدرت و نفوذ سخن دارم آن هم از ناحیه او است. و اگر چنین مصالحی در اختیار من قرار گرفت آن هم از برکت رحمت واسعه پروردگار است، من چیزی از خود ندارم که بر خویشتن ببالم و کار مهمی نکرده‌ام که بر گردن بندگان خدا منت گذارم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۲، ص ۵۳۶). در وجود ذی‌القرنین، بینش توحیدی و الهی، همراه با قدرت علمی و فنی، تبلور داشت. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶).

۷-۲۴- نکات مدیریتی آیه: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» «بگو من هم مثل شما بشری هستم و [الی] به من وحی می‌شود که خدای شما خدایی یگانه است پس هر کس به لقای پروردگار خود امید دارد باید به کار شایسته بپردازد و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد» (کهف/۱۱۰).

#### ۷-۲۴-۱- پرهیز از مبالغه و غلو در مدیریت

رهبران الهی، همواره، باید مردم را از غلو گرایی بازداشته و مقام خود را برتر از آنچه هست، وانمود نکنند. گرچه آیه، خطاب به پیامبر (ص) است، ولی بنا بر ویژگی‌های قرآن، این رهنمود، فرمانی عمومی، مخصوصاً به رهبران و پیشوایان دینی است تا همواره، این نکته را به مردم یادآوری کنند که آنان نیز بشوند، تا مبدا شائبه‌های الوهیت و نظایر آن در ذهن مردم شکل بگیرد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶).

### نتایج

اعجاز مدیریتی قرآن، زیرمجموعه اعجاز علمی قرآن بوده و منظور از آن وجود آیات و آموزه‌هایی در قرآن است که مطالب و مسائل علمی را در گستره مسائل و موضوعات مربوط به سازمان و مدیریت مطرح کرده‌اند؛ اعم از مطالب علمی که تاکنون از سوی دانش کشف و تبیین شده است. بدیهی است که وجود چنین مطالب علمی در قرآن، نوعی رازگویی علمی در این عرصه از دانش بشری شمرده می‌شود و کشف و تبیین آن‌ها از سوی دانشمندان، و حیاتی بودن قرآن و صدق رسالت و پیام‌آوری نبی اکرم (ص) از سوی خدا را اثبات می‌کند برخی از موضوعات مدیریتی در سوره کهف: قرآن کتاب مدیریت، دفع تهدیدها اصلی در مدیریت، کیفیت عملکرد مدیر ملاک سنجش مدیریت، امداد غیبی در مدیریت، تأمین آرامش زیرمجموعه اصلی در مدیریت،

دوری از وعده و وعید دادن در مدیریت، حفظ جهت در تصمیم‌گیری‌ها در مدیریت، تشویق کارمندان موفق اصلی مهم در مدیریت، توأمان بودن قدرت تنبیه و قدرت پاداش در مدیریت، مدیریت زمان از اصول مدیریت مدیران موفق، داشتن بینش توحیدی از صفات مدیران اسلامی و ...

با توجه به غنی بودن قرآن از مطالب مدیریتی پیشنهاد می‌گردد که حتماً در دانشگاه‌ها به جای تأکید بر استفاده از منابع غربی در مورد مدیریت، حتماً از قرآن نیز به عنوان کتاب مدیریت که وحی الهی و خالی از هرگونه خطا و اشتباه هست استفاده گردد. متأسفانه بافاصله گیری هر چه بیشتر از قرآن وضعیت جامعه ما هر روز از لحاظ مسائل مدیریتی نامناسب‌تر می‌گردد منابع و مأخذ

- ۱- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ ق). معجم مقاییس اللغة. قم: انتشارات مکتب الاعلام الاسلامی.
- ۲- باقر الموسوی، محسن، (۱۳۸۶)، مدیریت و نظام اداری از دیدگاه اما علی (ع)، ترجمه سید حسین سیدی، چاپ چهارم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۳- بنت الشاطی، عبدالرحمن، (۱۳۷۶) اعجاز بیانی قرآن، ترجمه حسین صابری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۴- جعفری، محمدتقی، (۱۳۷۶)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، چاپ هفتم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۵- جعفری، یعقوب، (بی تا) تفسیر کوثر، قم: هجرت.
- ۶- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸ الف) قرآن در قرآن، قم: اسراء.
- ۷- -----، (۱۳۸۸ ج)، نسیم اندیشه دفتر اول، قم: اسراء.
- ۸- خرمشاهی، بهاءالدین، (۱۳۷۷)، دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، تهران: دوستان - ناهید.
- ۹- دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۸۵)، سیره نبوی «منطق عملی»، چاپ دوم، تهران: دریا.
- ۱۰- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی تا). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دار القلم.
- ۱۱- رجبی، محمود، (۱۳۷۵)، قرآن‌شناسی جلد اول - درس‌های آیت اله مصباح یزدی، قم: مؤسسه آموزش امام خمینی.
- ۱۲- رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۸۶)، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، رشت: کتاب مبین.
- ۱۳- -----، (۱۳۸۰)، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، رشت: انتشارات کتاب مبین.
- ۱۴- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۹۴ ش). بررسی کتاب نقد قرآن دکتر سها. قم: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- ۱۵- رضایی کرمانی، محمدعلی، (۱۳۸۰)، کتاب‌شناسی اعجاز قرآن، چاپ اول، قم: انتشارات اسلامی.
- ۱۶- رضاییان، علی، (۱۳۸۹) اصول مدیریت، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ۱۷- سوزان سی. اشنایدر و ژان لوئی بارس، ۱۳۸۲، مدیریت در پهنه فرهنگ‌ها، ترجمه: دکتر سید محمد اعرابی و داود ایزدی، چاپ دوم، تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۱۸- سید رضی، نهج البلاغه، (۱۳۷۹)، ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات سید جمال‌الدین اسدآبادی.
- ۱۹- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۲)، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۰- عباس نژاد، محسن، (۱۳۸۴)، راهنمای پژوهش در قرآن و علوم روز (۱) قرآن، مدیریت و علوم سیاسی، چاپ اول، مشهد: موسسه انتشاراتی بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.
- ۲۱- عرفان، حسن، (۱۳۷۶)، اعجاز در قرآن کریم، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- ۲۲- عزیزاده، محمدجواد، (۱۳۸۲)، قرآن و مدیریت راستین، مشهد: انتشارات رستگار.



- ۲۳- قرائتی، محسن، (۱۳۸۶)، ۳۰۰ اصل در مدیریت اسلامی، چاپ سوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲۴- -----، (۱۳۸۸)، تفسیر نور، چاپ اول، تهران: مرکز فرهنگی درس‌های از قرآن.
- ۲۵- کمالی دزفولی، سید علی (بی‌تا). شناخت قرآن. تهران: اسوه.
- ۲۶- مجلسی، محمدباقر، (بی‌تا) بحارالانوار، تهران: اسلامیة.
- ۲۷- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۶۷) قم: معارف قرآن، انتشارات درراه حق.
- ۲۸- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۹۰)، پیام قرآن: روش تازای در تفسیر قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامی.
- ۲۹- -----، (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامی، تهران.
- ۳۰- مؤدب، سید رضا، (۱۳۸۶)، اعجاز قرآن، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- ۳۱- نبوی، محمدحسن، (۱۳۸۲)، مدیریت اسلامی، چاپ هفتم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، (نشر موسسه بوستان کتاب)، قم.
- ۳۲- نجمی، محمدصادق، هریسی هاشم (بی‌تا). شناخت قرآن. تهران: اسوه.
- ۳۳- هاشمی رفسنجانی، اکبر، (۱۳۸۶)، تفسیر راهنما: روشی نو در ارائه مفاهیم موضوعات قرآن، قم: انتشارات بوستان کتاب قم.

Surf and download all data from SID.ir: [www.SID.ir](http://www.SID.ir)

Translate via STRS.ir: [www.STRS.ir](http://www.STRS.ir)

Follow our scientific posts via our Blog: [www.sid.ir/blog](http://www.sid.ir/blog)

Use our educational service (Courses, Workshops, Videos and etc.) via Workshop: [www.sid.ir/workshop](http://www.sid.ir/workshop)